



- مروری بر مباحث جلسه گذشته
  - مرگ چیست ؟
  - مشابهت میان مرگ و خواب با توجه به آموزه های قرآنی و روایی
  - اثبات ، تجرد و تعلق نفس
- دلایل عقلی وجود روح با توجه به کتاب حیات پس از مرگ اثر دانشمند معرفت‌فرانسوی لئون دنی
  - تغییر مواد مغزی و ثبات ادراکات در تحقیقات علم طبیعی و دیدگاه فلاسفه اروپا و فلاسفه اسلامی در جای جای ثابت شده که هیچ موجود مادی در حال سکون و آرامش نیست، بلکه همه موجودات در حال تغییر و تحول اند بخصوص بنا بر نظریه حرکت جوهری که مبدع آن مرحوم ملاصدرا است.
  - فیزیولوژی یا علم وظائف الاعضاء به ما می آموزد که تمام اعضاء و دستگاههای مختلف بدن، تحت تاثیر دو جریان مهم حیاتی یعنی جذب مواد از خارج و تبدیل آن به انرژی در طی چند سال به طور کلی تجدید و تعویض می شوند و یک تغییر و تحول مستمر و دائمی در مولکول و ذرات اجزای بدن روی می دهد، سلولهای فرسوده و کهنه از میان رفته، به جای آنها سلول های دیگر به واسطه تغذیه به وجود آمده، جبران آنچه را که از دست داده می نماید.
  - از ذرات و مواد نرم و مرطوب مغز گرفته تا قسمت های سخت و سفت استخوانها در تمام بافتها و نسوج بدن این تغییر و تبدیل پیوسته انجام می گیرد و در دوره عمر، ذرات و سلولهای بدن، به دفعات عدیده از بین رفته و دوباره تشکیل می گردد (صغری).
  - با وجود این تحولات و تغییرات که در پیکره مادی و جسمانی ما روی می دهد، پیوسته، همان شخص و موجودی که بودیم هستیم و فکر و اندیشه و قوه حافظه و خاطرات دیرینه که جسم و بدن فعلی ما در آن پدیده های گذشته هیچ گاه سهیم و دخیل نبوده ثابت و پایدار می ماند (کبری).
  - از مجموع این دو مقدمه صغری و کبری در بالا به طور طبیعی این نتیجه به دست می آید که در وجود ما غیر از مواد متغیر و متبدل، حقیقت ثابت دیگری است که هرگز دستخوش تغییر و تبدیل نیست او است که شخصیت ما و منیت ما و معلومات ما را در خود حفظ کرده و نگهداری می کند و هر وقت اراده کند، خاطرات گذشته و دیرینه را به یاد می آورد و در آنها تصرفات می کند. از زمان طفولیت و جوانی تا پیری این عمل ادامه می یابد، هنوز هم عکس دوستان و صور اشیاء بعد از سالیان متمادی و دراز در صفحه ذهن ما وجود دارد.
  - از اینجا می فهمیم که روح مولود مواد خاکستری مغز نبوده، بلکه یک موجود مجردی است که احاطه تدبیری بر جسم ما دارد، او است که می بیند و می شنود و ادراک می کند.



- به نقل از کتاب «فیزیولوژی حیوان» تألیف بهزاد، ص ۳۲ و کتاب «هورمون ها» ص ۱۱.
- عدم هماهنگی میان بدن و نفس با توجه به کلام فلاسفه و حکما ( از نظر وجودی )
  - ماده متغییر است ولی حقیقت وجودی ثابت است .
  - بررسی دلیل تجرد نفس ناطقه از ماده و احکام آن با توجه به کتب پیشینیان چون طهاره الاعراق ابن مسکویه .
  - تن از حمل بارش که اثقال جسمانی است خسته می شود و هر چه بارش بیشتر می شود ضعف و فتور و خستگی آن بیشتر می شود .
  - بعکس آن حقیقتی که به نام روح و روان در خود می یابیم هر چه بارش که معارف و علوم است بیشتر شود نیروی آن بیشتر می شود . پس این حقیقت غیر از تن است .
  - شیخ رئیس در فصل هفتم مقاله پنجم نفس شفاء (ص ۳۴۸) اینگونه بیان میکند
  - و لیست هذه الاعضاء لنا فی الحقیقه الا کالثیاب الّتی صارت لداوم لزومها ایانا کاجزاء منا عندنا، و اذا تخیلنا انفسنا لم نتخیلها عراه، بل نتخیلها ذوات اجسام کاسیه، و السبب فیہ دوام الملازمه، الا انا قد اعتدنا فی الثیاب من التجرید و الطرح ما لم نعتد فی الاعضاء فکان ظننا الاعضاء اجزاء منا أكد من ظننا الثیاب اجزاء منا».
- بیان واقعیت اصالت روح و جان در مقابل بدن در اشعار عرفانی
  - مولوی در دفتر دوم :
    - جسم، ظاهر. روح، مخفی آمده است / جسم، همچون آستین، جان همچو دست
    - باز عقل از روح، مخفی تر بود / حس سوی روح، زوترره برد
    - جنبشی بینی، بدانی زنده است / این ندانی که ز عقل آگنده است
  - جامی در بهارستان :
    - طعنه بر من مزن به صورت زشت / ای تهی از فضیلت انصاف
    - تن بود چون غلاف و جان شمشیر / کار شمشیر میکند نه غلاف
  - مولوی در دفتر اول :
    - تن ز جان و جان ز تن مستور نیست / لیک کس را دید جان دستور نیست
    - پرتو روح است نطق و چشم و گوش / پرتو آتش بود در آب جوش
    - آنچنان که پرتو جان بر تن است / پرتو ابدال بر جان من است



- جان جان چون واكشد پا را ز جان / جان چنان گردد که بی جان تن، بدان
- قدرت و سیطره نفس و آثار آن در روایت اخلاقی
  - امام صادق(ع) میفرماید: رسول خدا (ص) فرمود: حواریون به حضرت عیسی(ع) گفتند:
    - «یا روح الله من نجالس؟ قال: من یدکرکم الله رویته و یزید فی علمکم منطقه و یرغبکم فی الاخره عمله»
    - ( اصول کافی: ج ۱، ص ۳۹ )
  - «ای روح خدا! با چه کسی مجالست و معاشرت کنیم؟ فرمود: با کسی که دیدار او شما را به یاد خدا اندازد. و سخنش بر دانشتان بیفزاید. و عملش شما را برای توشه گیری آخرت ترغیب نماید.»
  - در این روایت آن بزرگوار سه صفت و خاصیت در مورد همنشینان بیان کرده است:
    - دیدار ظاهری (آثار ظاهری) آنان باعث یادآوری خدا و ذکر حق باشد، آنچنان که در دیدار زهاد و عباد و سالکین راه خدا مشاهده می شود.
    - سخن او موجب فزونی علم و دانش انسان گردد.
    - عمل او تشویق و ترغیب برای توشه گیری آخرت نماید، مشاهده اعمال عبادات و افکار او توجه انسان را به آخرت فزونی بخشد و از اشتغال به امور دنیوی باز دارد. افرادی که از این صفات و خصوصیات عاری هستند، همنشینی با آنان روا و زیبنده نیست چه رسد که اعداد آن صفات را نیز داشته باشند.
- اشاره به خصوصیتی در نفس انسان با توجه به عبارتی در تعلیقه بر کتاب شفاء ابن سینا به نقل از ملاحادی سبزواری
- اثبات نفس با توجه به عبارتی در کتاب التنبیهات و الاشارات شیخ الرئیس
- بررسی دو شبهه وارد شده بر نحوه کسب علم در نفس
- فهم و درک تغییر در گرو درک و فهم ثبات
- جمع بندی بحث

\*\*\*\*\*

[http://www.almenhaj.com/media/maad/moz\\_maad\\_1395.02.09\\_014.mp3](http://www.almenhaj.com/media/maad/moz_maad_1395.02.09_014.mp3)

لینک فایل صوتی سخنرانی:

[http://www.almenhaj.com/media/maad/moz\\_maad\\_1395.02.09\\_014.pdf](http://www.almenhaj.com/media/maad/moz_maad_1395.02.09_014.pdf)

متن موضوعات و خلاصه سخنرانی:

\*\*\*\*\*

[@almenhaj](https://telegram.me/almenhaj)

[Islam.shiea@gmail.com](mailto:Islam.shiea@gmail.com) , [info@almenhaj.com](mailto:info@almenhaj.com)